

بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان

در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم

مریم شاهوارونی: * دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم تربیتی «گرایش آموزش بزرگسالان» دانشگاه شهید بهشتی تهران
جمیله علم الهدی: استادیار، دانشگاه شهید بهشتی تهران
ملیحه آشتیانی: دانشیار، دانشگاه شهید بهشتی تهران

فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته ای قرآنی
سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۷، صص
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۸/۲۰

چکیده:

در این تحقیق تلاش گردیده نسبت به بررسی تفاوت‌های جنسیتی از دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم اقدام شود. در بیان دیدگاه قرآن مجید از تفسیر نمونه نوشته آیت الله مکارم شیرازی استفاده گردیده است. هدف از این تحقیق، ابتدا شفاف نمودن دیدگاه‌های مذکور در خصوص تفاوت‌های جنسیتی و سپس ارائه پیشنهادهایی جهت طراحی ساختاری منطقی و کارآمد برای جامعه امروز است. این تحقیق امیدوار است ضمن اصلاح و بهبود باورهای نسبت به موضوع جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی، موجبات رشد و تعالی جامعه به ویژه زنان را فراهم آورد. روش این تحقیق، کیفی و با استفاده از متون مکتوب و منابع کتابخانه‌ای است.
کلید واژه‌ها: قرآن مجید، فمینیسم و جنسیت

* نویسنده پاسخگو: تهران، خیابان قلعه مرغی، خیابان ابودر، خیابان شهید پیغمبری، دبیرستان سپیده کاشانی، تلفن: ۰۲۱۶۶۲۲۲۶۹۲

مقدمه

در دنیای پیچیده کنونی، مشکلات انسانی متعدد و متنوعی، پیش روی انسانها، خانوادهها و جوامع وجود دارد که به نظر می‌رسد بخشی از آنها به دلیل باور نداشتن یا کم بها دادن به تفاوت‌هایی است که خالق هستی از روی حکمت بین زن و مرد قرار داده است. این تفاوتها در ابعاد جسمی، روانشناختی، جامعه شناختی، وظایف، کارکردها و نقشها وجود دارند. زن و مرد به تنهایی ناقصند و همه نیازهای خود و جامعه را به تنهایی نمی‌توانند پاسخگو باشند و خداوند با ایجاد تفاوت‌هایی بین آنها، ایشان را مکمل هم آفریده است تا نیازهای خود و جامعه را در تعامل با هم برآورده ساخته، در کنار هم خود و جامعه را به تعالی برسانند. زن و مرد مشترکات فراوانی دارند که مربوط به بعد و ارزش انسانی آنها می‌شود؛ اما در کنار همانندیها، تفاوت‌هایی در خلقت جسمانی، روحی، عاطفی و به دنبال آن تفاوت‌هایی در استعدادها، نیازها، خواسته‌ها، اهداف، وظایف و نقشهای محول شده به آنها وجود دارد. کمال هر مخلوقی در شکوفا شدن و پرورش استعدادهای نهفته در همان است؛ لذا کمال یک مرد و یک زن لزوماً در یک موقعیت مشابه و یکسان بدست نمی‌آید، بلکه بعضی از موقعیتها در مورد دو جنس باید به‌طور جداگانه و گاه متفاوت اما هماهنگ با هم طراحی شود و در طرح آرمانهای مربوط به هر یک باید همه ابعاد و آثار وجودی آنها در بعد فردی و اجتماعی در نظر گرفته شود. و نوعی نگرش سیستمی در این مورد لازم است تا خطا، اشتباه و آسیب به حداقل و بازده و بهره‌وری فردی و اجتماعی به حداکثر ممکن برسد. مطالعه درباره تجارب شخصی، اجتماعی، خانوادگی خود و بسیاری از زنان و خانواده‌ها مبنی بر عدم توجه به تفاوتها در ویژگیهای زن و مرد و نقشهایشان، کم ارزش دانستن وظایف و نقشهای زنان در خانواده و جامعه و بروز مشکلات فراوان به دنبال آن از جمله: فساد و بی بند و باری، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، ترافیک، آلودگی محیط زیست، فقر معنوی، عاطفی، فقر تربیتی در کودکان،

نوجوانان و جوانان، بیماریهای روحی، جسمی، اجتماعی و... اینجانب را بر آن داشت تا مطالعه مفصلی درباره این موضوع آغاز نمایم و مطالبی را در این رابطه تهیه نموده، به جامعه تقدیم نمایم.

مسئله برای اینکه این نگرش سیستمی در تک تک افراد جامعه و نیز سیاستگذاران و برنامه ریزان اجتماعی ایجاد گردیده یا تقویت گردد، به آموزشهای کافی و مستمر از طرق مختلف و در سطوح مختلف نیاز داریم. از همان سال اول مدرسه تا بالاترین سطوح دانشگاهی باید این آموزشها به شیوه‌های مناسب در هر دوره و مقطع سنی طراحی و اجرا گردد و تا حد امکان مطابق با محتوای آن، عمل شود. از طرف دیگر به‌طور همزمان انواع آموزش بزرگسالان را می‌توان در این زمینه برای عموم مردم برگزار نمود. رسانه‌های جمعی شامل روزنامه-ها، رادیو و بخصوص تلویزیون، نقش مهمی در این زمینه می‌توانند ایفا کنند.

بیان مسأله

امروزه شاهد بروز مشکلات زیادی هستیم که برخی از آنها به نوعی از تفکر کاملاً یکسان دانستن زن و مرد، نشأت می‌گیرد؛ مانند: اشتغال زنان، درجات بالاتر تحصیلی دختران نسبت به پسران، بیکاری جوانان بخصوص پسران و مردان، بالا رفتن سن ازدواج، سپردن کودکان کوچک حتی شیرخوار به مهد کودک برای ساعات طولانی، محروم کردن کودکان از آغوش گرم مادران در سالهای اوج نیاز کودک به مادر، کمبود شرایط تحصیل یا اشتغال مناسب با ویژگیها و شرایط خاص زنان، اختلاط زنان با مردان به دلیل حضور اجتماعی بیش از حد یا غیر محافظت شده زنان در جامعه و بالا رفتن درجه آسیب‌پذیری جامعه، مشکلات فساد اخلاقی، بزهکاری، فرار از خانه، اعتیاد، طلاق، شیوع روابط با جنس مخالف، سردی روابط عاطفی در خانواده‌ها، کاهش صله‌رحم، کاهش درجه رضایت از زندگی، سپردن والدین به آسایشگاهها در دوران پیری و... از جمله مشکلاتی است که با باورها نسبت به مسأله زن، ولو غیر مستقیم ارتباط پیدا می‌کند و در همه آنها رد پای از نقص و اشتباه در نگرش و

هدف کلی تحقیق، بررسی بعضی باورها درباره تفاوت‌های جنسیتی و کارکردها و مسئولیتهای ناشی از آن، نقد و بررسی آنها و ارائه چشم‌اندازی مبتنی بر مبانی فرهنگ دینی و دیدگاه‌های صاحب نظران در این موضوع می‌باشد.

فرضیات (سؤالات) تحقیق

همان‌گونه که در اهداف تحقیق بیان گردید، این تحقیق در پی بررسی مفهوم جنسیت و باورهای مربوط به آن و تأثیر آن در نقشهای مربوط به زنان و مردان و قوانین مربوط به آنها و یافتن تلقی و باوری جامع و نزدیک به حقیقت و رفع برخی شبهات، جهت آموزش بزرگسالان می‌باشد؛ لذا فرضیات و سؤالات تحقیق را به شرح زیر ارائه می‌نماییم:

فرض کلی تحقیق :

باورهای موجود در خصوص تفاوت‌های جنسیتی دارای اشکالاتی بوده، بعضاً به این تفاوت‌ها و آنچه در نظام خلقت طراحی شده به دیده‌ی عیب و نقص، انتقاد و نارضایتی نگاه می‌شود؛ حال آنکه در صورت شناخت و درک درست این تفاوت‌ها، با یکی از شاهکارهای شگفت خلقت آشنا شده و حقایق بسیار زیبا و در عین حال حیاتی و مهمی را در زمینه وجود تفاوت‌های جنسیتی، کشف می‌نماییم و در صدد استفاده صحیح و بهینه از آنها بر خواهیم آمد و نهایتاً زندگی انسانها رنگ و بوی بهتری به خود خواهد گرفت و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، برطرف خواهد شد.

سؤالات اختصاصی تحقیق عبارتند از :

۱. آیا بین زن و مرد از نظر ویژگی‌ها و نقشهای جسمانی، روانی و اجتماعی تفاوت وجود دارد؟
۲. بی توجهی به تفاوت‌های جنسیتی چه پیامدهایی به همراه دارد؟
۳. آیا فضاهای سازمانی، نوع اشتغال و آموزش‌های رسمی و غیر رسمی با تفاوت‌های جنسیتی متناسب است؟
۴. چه نوع تغییرات اصلاحی در جهت بهبود فعالیت‌های مربوط به نقش‌های جنسیتی، باید صورت گیرد؟

عملکرد نسبت به مسأله زن، می‌توان یافت. آنجا که در اثر تفکرات و تلقینات غلط جامعه، مرد برتر از زن دانسته شود و گوهر بی‌نظیر زن ناشناخته بماند، برای زن بودن ارزش کافی قائل نشوند و همت و هنر زنان در هر چه شبیه‌تر شدن به مردان، خلاصه گردد، خلأ و شکاف بزرگی در سیستم وجودی افراد، خانواده و جامعه ایجاد می‌گردد که با هیچ جایگزینی نمی‌توان آن را جبران کرد.

زنان، مربیان هر خانواده و جامعه‌ای هستند. آنان علاوه بر ویژگیها و نقشهای مشترک با مردان، ویژگیها و در نتیجه نقشهای تخصصی مربوط به جنسیت خود را دارند که توانایی ایفای این نقشها برای جنس مرد، به این اندازه و کیفیت وجود ندارد؛ لذا همه اقدار بخصوص خود زنان باید از دانش کافی در مورد زن و نقشهای مهم او از جمله: دخترت، خواهری، همسری، مادری و زنی در میان مردم و جامعه، بهره مند باشند. پیش زمینه لازم برای این کار آن است که ویژگیها، وظایف و نقشهای زنان را به طور کامل با مردان یکسان ندانسته و مقایسه نکنند. این نگرش باید به‌طور همزمان و هماهنگ، هم در مردان و هم در زنان یعنی در کل افراد جامعه ایجاد شود، اگرچه خودشناسی و خودباوری در زنان که مربیان و فرهنگسازان جامعه هستند، درجه اهمیت بالاتری دارد.

لذا به نظر می‌رسد، لازم است به‌طور دقیق، مسأله وجود تفاوتها بین زن و مرد در ابعاد مختلف جسمانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی شود و ویژگیهای زنان و متناسب با آن، نقشهای خاص زنان معرفی گردد و ساز و کارهای مناسب برای آموزش و عمل به این دانشها در جامعه، از طریق آموزشهای رسمی و غیر رسمی، صدا و سیما، مطبوعات، اجرا گردیده و قوانین کشور متناسب با حقایق موجود در این زمینه اصلاح گردد.

اهداف تحقیق

هدف این تحقیق توسعه حوزه نظری شاخه آموزش بزرگسالان در رشته علوم تربیتی بوده و تلاش می‌نماید با تأکید بر مفهوم جنسیت، کارکردهای متفاوت زن و مرد را بیان نماید.

تعاریف مفهومی در تحقیق

۱. تفاوت‌های جنسیتی :

تفاوت‌هایی که در ویژگی‌های جسمی، روانی و نقش‌ها و کارکرد‌های اجتماعی افراد تعریف یا پذیرفته شده است و ناشی از تفاوت در جنسیت مردان و زنان است.

۲. نقش‌های جنسیتی:

نقش‌های اجتماعی محول شده به یک جنس خاص که ناشی از تفاوت در جنسیت است؛ مثلاً نقش پدری یا مادری، زنی یا شوهری، خواهری یا برادری، دختری یا پسری، عروس یا داماد و...

۳. فضای سازمانی :

مجموعه نقطه نظرهایی است (بویژه در مورد اینکه چگونه باید با کارکنان رفتار کرد) که به‌طور مشترک در میان بیشتر مدیران عالی یک سازمان وجود دارد.

۴. نقش اجتماعی:

وظایف و مسئولیت‌های محول شده به فرد که بستگی به جایگاه قرارگرفتن او در سیستم اجتماع دارد.

استفاده کنندگان از نتایج تحقیق

زنان و مردان جامعه بخصوص زنان، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، قانونگذاران، مجریان آموزش افراد و جامعه در سطوح مختلف، مبلغان، جامعه‌شناسان، مشاوران.

این تحقیق تنها به بررسی مقدماتی و کلی موضوع تفاوت‌های جنسیتی پرداخته است؛ اما به نظر می‌رسد آموزش و فرهنگ‌سازی در این زمینه نقطه آغازین یک حرکت و جهت‌گیری نوین در عرصه علوم تربیتی و روان‌شناسی بزرگسالان با توجه به باورهای دینی و مذهبی باشد که طی آن با استفاده از دست‌آوردهای علمی روز دنیا و با تکیه به ارزش‌ها و محتوای غنی دینی نسبت به بازتعریف مفاهیم پایه در جایگاه زن و مرد و کارکردهای جنسیتی آنها را معرفی نماید. این چشم‌انداز وجود دارد که نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه در سالیان آتی به شکل یک رویکرد جامع و در برگیرنده تمامی نیازهای شناختی و هویتی زنان و مردان در زمینه

کارکردهای (مانند شغل، خانواده و تحصیل...) را تعریف و تبیین نموده و در بر بگیرد.

به طور کلی این تحقیق می‌تواند برای استادان محترم، مدرسان، سازمانها و دستگاههای فرهنگی و تربیتی، آموزش و پرورش، دانشگاهها و رسانه‌هایی مانند صدا و سیما و نشریات آموزشی و سایر فعالان در حوزه تربیتی و اجتماعی، مفید واقع شود. این تحقیق می‌تواند به صورت ویژه‌ای مورد استفاده مراکز تخصصی که در زمینه‌های بین رشته‌ای خصوصاً بین حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها فعالیت دارند مانند دفتر پژوهش و همکاری حوزه و دانشگاه، نهاد نمایندگی و سایر مراکز تحقیقاتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها قرارگیرد. همچنین برای عموم دانشجویان و علاقه‌مندان به فراگیری مفاهیمی در خصوص هویت و جنسیت، مفید و قابل استفاده است.

جنبه‌های نوآوری و کاربرد های تحقیق

امروزه تلاش اکثر افراد یا گروه‌های اجتماعی، در جهت یکسان‌انگاری زن و مرد برای دفاع از حقوق پایمال شده زنان می‌باشد و آثار متعدد و فراگیر مثبت و منفی این طرز تفکر به ویژه در زنان و در نتیجه خانواده و جامعه به‌طور روزافزونی مشهود است.

آثار مثبت در حال حاضر معمولاً به دلیل در نظر گرفتن شباهتها و مشترکات موجود بین زن و مرد است که در گذشته معمولاً نادیده گرفته می‌شد و امروزه سعی بر ملاحظه آنها می‌شود مانند حق تحصیل، آموزش، شغل، حقوق اقتصادی در خانواده مثل مهریه، نفقه و حق شیردهی، حقوق اجتماعی مانند حق رای، حق تفریح، آزادی و...

اما آثار منفی در حال حاضر معمولاً به دلیل نادیده گرفتن تفاوت‌های موجود بین زن و مرد می‌باشد؛ مانند: اصرار مادران باردار یا شیرده و یا دارای فرزندان کوچک به جدا شدن از فرزند برای پرداختن به تحصیل یا شغل (با وجود تأثیر منفی بر مادر، فرزندان و خانواده)، عدم رعایت حجاب و عفاف و بروز بی بند و باریها، گرایش بیش از حد زنان به حضور در اجتماع و غفلت از جایگاههای

بخش اول دیدگاه قرآن کریم

مبارزه با تبعیض جنسیتی در قرآن

قرآن کریم نخست سخن را از تفاوت و اختلاف بین زن و مرد آغاز نمی‌کند، بلکه نگاه اولیه قرآن ابتدا نظر بر وجه اشتراک و همسانی زن و مرد است و آن هم نه مربوط به کارکرد ها و نقش ها بلکه در ساحتی اصیل‌تر و بنیادی‌تر موضوع را مطرح می‌کند. قرآن به وجه اشتراک اساسی و بسیار مهمی اشاره نموده، انسان بودن انسان را ملاک قرار می‌دهد و در این موضوع حکم به یکسانی زن و مرد در خلقت و ارزش های اساسی و انسانی می‌نماید و با تأکید بر خلقت انسانها از نفس واحد، در ابتداء سوره نساء چنین می‌فرماید: «ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید، (و نیز) از خویشاوندان خود (یعنی قطع ارتباط با آنها) پرهیز کنید، زیرا خداوند مراقب شما است»^۱. همچنین در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: «خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد»^۲. روشن است این‌که در این آیات می‌خوانیم همسران شما را از شما قرار داد، معنی آن این است که از جنس شما قرار داد نه از اعضای بدن شما. همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «او کسی است که شما را از یک نفس آفرید»^۳.

یعنی شما با وجود تفاوت در جنسیت و با این همه چهره‌های گوناگون، ذوقها و افکار متفاوت و تنوع وسیع در تمام جنبه‌های وجودی، همه از یک فرد آفریده شده‌اید و این نهایت عظمت آفریدگار را می‌رساند که چگونه از یک مبدأ این همه انسانهای متفاوت آفریده است. قرآن تفاوت در جنسیت را از نشانه های خدا می‌داند

خاص زنان در خانواده و بخصوص پرورش فرزندان، احساس بی‌نیازی دختران شاغل نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده به دلیل توانمندی اقتصادی، کم‌رنگ شدن معنویت و عاطفه در خانواده و جامعه به دلیل عدم تقویت آن توسط زنان که باید کانون عاطفه و معنویت باشند، گرایش مردان به اعتیاد، چند همسری و حتی روابط نامشروع در اثر عدم برآورده شدن نیازهای جسمی، روحی، عاطفی و... در خانواده، کاهش احساس نیاز جوانان به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج و بروز مشکلات مختلف ناشی از آن، شیوع بیماریهای مختلف جسمی، روحی، اخلاقی، افسردگی، اضطراب، نارضایتی و... به دلیل عدم به انجام رسیدن رسالت زنان بدرستی، کاهش صله رحم و عدم توجه کافی به نیازهای ارتباطی و روحی به دلیل عدم فراقت کافی برای خانواده و زنان و...

از طرفی مردان جامعه نیز خود در بروز چنین مشکلاتی سهم داشته و دارند؛ به دلیل عدم آگاهی کافی از تفاوت‌های زن و مرد و نقش‌های محول به آنها، مقایسه نا به جای این دو با هم، تجاوز یا نادیده گرفتن حقوق فردی و اجتماعی زنان و برانگیختن حس برتری طلبی و رقابت در آنان به وسیله مجهز شدن به سلاح‌های مردانه مثل مدارک تحصیلی، مشاغل بالا، استقلال مالی و فعالیتهای زیاد اجتماعی، کسب پایگاه‌های اجتماعی بالا و مسئولیتهای سنگین، عدم ایفای نقش‌های مردانه بدرستی و بحد کفایت توسط مردان، فخرفروشی در اموری که زنان بعضاً به دلیل ویژگیها و نقش‌های خاص خود کمتر می‌توانند وارد آنها شوند یا با مردان رقابت کنند، مثل تحصیل، درآمد، پایگاه‌های اجتماعی و...

به طور کلی جوامع در این زمینه دچار افراط یا تفریط بوده‌اند و تمام آثار منفی، مربوط به این دو نوع انحراف می‌باشد که با وجود اصلاح بینش و آگاهی دادن صحیح و کافی می‌توان این دو انحراف را کاهش داده و افراد و جامعه را به راه اعتدال هدایت نمود تا هم افراد به سعادت و کمال حقیقی خود دست پیدا کنند و هم سیستم جامعه راه ترقی بپیماید.

و عمل صالح و مومنانه خود رشد و تعالی می‌یابند و پاسخ و اجابت الهی برای مردان و زنان یکسان است. این آیه از سوره آل عمران یکی از آیات قرآن در این خصوص است که می‌فرماید: «خداوند درخواست آنها را پذیرفت (و فرمود) من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد. شما همگی هم نوعید و از جنس یکدیگرید». "من ذکر او انشی بعضکم من بعض" و برای اینکه تصور نشود که این وعده الهی اختصاص به دسته معینی دارد صریحاً می‌فرماید: این عمل‌کننده خواه مرد باشد یا زن تفاوتی نمی‌کند؛ زیرا همه شما در آفرینش به یکدیگر بستگی دارید بعضی از شما از بعض دیگر تولد یافته‌اید؛ زنان از مردان و مردان از زنان.

جمله «بعضکم من بعض» ممکن است اشاره به این باشد که شما همه پیروان یک آیین و طرفدار یک حقیقت هستید و با یکدیگر همکاری دارید؛ بنابراین دلیلی ندارد که خداوند در میان شما تبعیض قائل شود.

ارزش معنوی یکسان مرد و زن

در آیات بسیاری از قرآن مجید، زن و مرد را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرائط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره‌ای از تفاوتها در مسئولیتهای اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر به دست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد؛ بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار می‌دهد و لذا آنها را با هم ذکر کرده است. قرآن مجید با صراحت می‌گوید: «هر کس از مرد و زن عمل شایسته انجام دهد و ایمان داشته باشد داخل بهشت خواهد شد و بدون حساب، روزی داده می‌شود». و یا در آیه دیگری فرماید: «هر کس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد به او حیات و زندگی پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آنها را به نحو احسن خواهیم داد»^۸. همچنین در حوزه اخلاق نیز قرآن تفاوتی میان زن و مرد قائل نبوده و تنها ملاک تقوا را معتبر می‌داند و می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است». در این

از نظر قرآن تفاوت در جنسیت و اختلاف در خلقت زن و مرد نه تنها یک مشکل و ناهنجاری تلقی نمی‌شود و نشانه تبعض و ارجحیت یکی (مرد یا زن) بر دیگری نیست بلکه تفاوت جنسیتی را یکی از نشانه‌های خدا می‌داند، می‌فرماید: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌های است برای گروهی که تفکر می‌کنند»^۴.

قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پر معنی «لتسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف^۵ نیز آمده است. به‌راستی وجود همسران با این ویژگیها برای انسانها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند؛ به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود مکمل وجود اوچنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.

به هر حال مرحله زوجیت مرحله تداوم نسل انسان و تکثیر مثل او است، سپس موضوع بارداری مادران و وضع حمل آنها را پیش کشیده، می‌گوید: «هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم پروردگار (وما تحمل من انشی ولا تضع الا بعلمه)».

مسأله تقسیم نوع انسان به دو جنس مذکر و مؤنث با تفاوتهای فراوان در جسم و جان و مسائل فیزیولوژیکی که از همان آغاز انعقاد نطفه، راه خود را از یکدیگر جدا کرده و هر کدام به سوی رسالتی که بر عهده آنان گذارده شده پیش می‌روند و تکامل می‌یابند. بعد مسأله رسالت در مادر قبول و تحمل این بار و حفظ و تغذیه و پرورش آن پیش می‌آید که قرن‌ها است افکار دانشمندان بزرگ را به خود جلب کرده، معترفند که از عجیب‌ترین مسائل عالم هستی است.

ایمان و عمل صالح و پاداش و جزا

از دیدگاه قرآن جنسیت تأثیری در رشد و تکامل وجود و شخصیت آدمی ندارد و همه افراد به اندازه تلاش

مباهله تصریح نشده، از آنجا که این کار به عنوان آخرین حربه، بعد از اثر نکردن منطق و استدلال، مورد استفاده قرار گرفته، دلیل بر این است که منظور ظاهر شدن اثر خارجی این نفرین است نه تنها یک نفرین ساده.

مردان مانند زنان نیستند

قرآن در آیات مختلف تفاوت دو جنسیت را به رسمیت شناخته و یکسان‌انگاری زن و مرد را در کارکرد، وظائف و نقش‌ها رد می‌کند و از جمله در آیه زیر به صراحت این موضوع را بیان فرموده^{۱۲}: «ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت،) گفت: خداوندا! من او را دختر آوردم ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود و پسر، همانند دختر نیست».

زیرا خدمتکاران بیت‌المقدس از میان پسران انتخاب می‌شدند و سابقه نداشت دختری به این عنوان انتخاب گردد؛ چرا که دختر، پس از بلوغ، عادت ماهانه دارد و نمی‌تواند در مسجد بماند، به علاوه نیروی جسمی آنها یکسان نیست، نیز مسائل مربوط به حجاب و بارداری و وضع حمل ادامه این خدمت را برای دختر مشکل می‌سازد؛ لذا همیشه پسران را نذر می‌کردند.

نگاه و حجاب

قرآن خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید^{۱۳}: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلبابها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. در اینکه منظور از جلباب چیست مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده‌اند:

۱. ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند.
۲. مقنعه و خمار (روسری).
۳. پیراهن گشاد.

گرچه این معانی با هم متفاوتند قدر مشترک همه آنها این است که بدن را به وسیله آن بپوشاند (ضمناً باید توجه داشت جلباب به کسر و فتح جیم هر دو قرائت

آیه مخاطب کل جامعه انسانی است. منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسانها به آدم و حوا است؛ بنابراین چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که جنسیت یا نژاد و نسب و قبیله و ... بر یکدیگر افتخار کنند و می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است» (ان‌اکرمکم عندالله اتقیکم) و همچنین در آیه دیگری از همین سوره زنان و مردان را در الزام عملی به اخلاق یکسان دانسته، از گناهان اخلاقی منع می‌کند و می‌فرماید^{۱۴}: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزاکنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید، و با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید».

در اینجا مخاطب مؤمنانند، اعم از مردان و زنان، قرآن به همه هشدار می‌دهد، نه جنسیت و نه هیچ ملاک مادی دیگر سبب نمی‌شود کسی تصور کند در پیشگاه خدا از دیگری برتر است و به همین دلیل تحقیر دیگران و خود را برتر شمردن یکی از بدترین کارها و زشتترین عیوب اخلاقی است که بازتاب آن در تمام زندگی انسانها ممکن است آشکار شود.

مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

قرآن ضمن توجه به تفاوت‌های جنسیتی و معاف نمودن زنان از برخی تکالیف دشوار مانند جهاد و... در سایر امور که امکان حضور و فعالیت سیاسی و اجتماعی وجود دارد، حضور زنان را به رسمیت می‌شناسد و به عنوان مثال در موضوع مهمی همچون مباهله می‌فرماید^{۱۵}: «هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

آنچه در این آیه مورد نظر محقق می‌باشد نقش زنان و دارا بودن مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اسلام می‌باشد. اگرچه در این آیه به تأثیر و نتیجه

فرو گیرند و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید»^{۱۴}. در حقیقت هدف قرآن عفت و پاکدامنی و پاکسازی جامعه از انحرافات جنسی است. آیات مورد بحث که احکام نگاه کردن و چشم‌چرانی و حجاب را بیان می‌دارد و چشم‌چرانی همانگونه که بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام می‌باشد و پوشانیدن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.

قصاص

عادت عرب جاهلی بر این بود که اگر کسی از قبیله آنها کشته می‌شد، تصمیم می‌گرفتند تا آنجا که قدرت دارند از قبیله قاتل بکشند و این فکر تا آنجا پیش رفته بود که حاضر بودند به خاطر کشته شدن یک فرد تمام طائفه قاتل را نابود کنند. آیه فوق نازل شد و حکم عادلانه قصاص را بیان کرد؛ لذا خداوند می‌فرماید^{۱۵}: «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است، آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، وزن در برابر زن...».

آیا خون مرد رنگین‌تر است ؟

می‌شود؛ اما بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است.

البته در زمینه حجاب مطالب جامعی در قرآن طرح شده که قصد طرح آن را نداریم و به کلیاتی اکتفا می‌کنیم. بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذارده‌اند و افراد غربزده، بی‌بند و باری زنان را جزئی از آزادی او می‌دانند، سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه‌ای است متعلق به زمانهای گذشته! ولی مفاصد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روزافزونی که از این آزادیهای بی‌قید و شرط به وجود آمده سبب شده که تدریجا گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود. مسأله این است که آیا زنان (با نهایت معذرت) باید برای بهره‌کشی از طریق سمع و بصر و لمس (جز آمیزش جنسی) در اختیار همه مردان باشند یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد. بحث در این است که آیا زنان در یک مسابقه بی‌پایان در نشان دادن اندام خود و تحریک شهوات و هوسهای آلوده مردان درگیر باشند یا باید این مسائل از محیط اجتماع برچیده شود و به محیط خانواده و زندگی زناشویی اختصاص یابد؟! اسلام طرفدار برنامه دوم است و حجاب جزئی از این برنامه محسوب می‌شود؛ در حالی که غربیها و غرب‌زده‌های هوسباز طرفدار برنامه اولند! اسلام می‌گوید کامیابیهای جنسی اعم از آمیزش و لذت‌گیریهای سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد که جمله ذلک ازکی لهم در آیات فوق اشاره به آن است.

قرآن ضمن به رسمیت شناختن تفاوت جنسیتی از یک سو و کشش و علاقه غریزی شدید به جنس مخالف از سوی دیگر به بیان قواعد و چارچوبهای زندگی سالم می‌پردازد که در آن تمایل جنسی و غریزی در جهت تحکیم بنای خانواده مصرف شده و از هرزگی و ارتباطات نامشروع جلوگیری شده است و اولین قدم در این مسیر کنترل نگاه و پرهیز از چشم‌چرانی است قرآن می‌فرماید: «به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان)

کردن زن و مرد به لباس یکدیگر است همانگونه که می‌فرماید: «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها»^{۱۶}.

(هردوزینت یکدیگر هستید و باعث حفظ یکدیگر).
لباس از یکسو انسان را از سرما و گرما و خطر برخوردار می‌پوشاند و از سوی سوم زینتی است برای تن آدمی، این تشبیه که در آیه فوق آمده اشاره به همه این نکات است. دو همسر یکدیگر را از انحرافات حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند وسیله راحت و آرامش یکدیگرند و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شود. این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها را به یکدیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که درباره مردان آمده درباره زنان هم آمده است بدون هیچ تغییر. آنچه در این بخش ارائه گردید تعداد محدودی از آیات قرآن کریم و شرح و تفسیر مختصری از آن بود که با موضوع تفاوت جنسیت و مسائل مربوط به زنان و مردان انتخاب و ارائه گردید.

آیات بسیار مهم و مضامین ناب فراوانی دیگری در قرآن موجود است که به دلیل محدودیت‌ها و رعایت حجم صفحات تحقیق از ذکر آنها صرف نظر می‌نماییم.

بخش دوم دیدگاه فمینیسم

فمینیسم از ریشه لاتینی Femina به معنای زن یا جنس مؤنث، اخذ شده است. شناخت فمینیسم و آگاهی به تطورات آن، مستلزم آشنایی با دوره‌های فکری آن است که به سه موج اول، دوم و سوم مشهور می‌باشد. در همه این رویکردها، این اعتقاد مستتر است که زنان به دلیل جنسشان، اسیر بی‌عدالتی هستند. در راستای این امر آن‌ها میان sex (جنس) و gender (جنسیت) تمایز قائل شدند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد؛ در حالی که جنسیت، بر ویژگی‌های شخصی و روانی ناظر است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است. جنس و جنسیت پیوندی آشکار دارند؛ اما ماهیت دقیق این پیوند، بحث‌های فراوانی دارد

ممکن است بعضی انتقاد کنند که در آیات قصاص دستور داده شده که نباید مرد به خاطر قتل زن قصاص شود، مگر خون مرد از خون زن رنگین‌تر است! در پاسخ باید گفت: مفهوم آیه این نیست که مرد نباید در برابر زن قصاص شود، بلکه همانطور که در فقه اسلام مشروحاً بیان شده اولیای زن مقتول می‌توانند مرد جنایتکار را به قصاص برسانند به شرط آنکه نصف مبلغ دیه را بپردازند. به عبارت دیگر: منظور از عدم قصاص مرد در برابر قتل زن، قصاص بدون قید و شرط است؛ ولی با پرداخت نصف دیه، کشتن او جایز است. لازم به توضیح نیست که پرداخت مبلغ مزبور برای اجرای قصاص نه به خاطر این است که زن از مرتبه انسانیت دورتر است یا خون او کم‌رنگ‌تر از خون مرد است! این توهمی است کاملاً بیجا و غیر منطقی که شاید لفظ و تعبیر خونبها ریشه این توهم شده است. پرداخت نصف دیه تنها بخاطر جبران خسارتی است که از قصاص گرفتن از مرد متوجه خانواده او می‌شود. مردان غالباً در خانواده عضو مؤثر اقتصادی هستند و مخارج خانواده را متحمل می‌شوند و با فعالیتهای اقتصادی خود چرخ زندگی خانواده را به گردش در می‌آورند؛ بنابراین تفاوت میان از بین رفتن مرد و زن از نظر اقتصادی و جنبه‌های مالی بر کسی پوشیده نیست که اگر این تفاوت مراعات نشود خسارت بی‌دلیلی به بازماندگان مرد مقتول و فرزندان بی‌گناه او وارد می‌شود؛ لذا اسلام با قانون پرداخت نصف مبلغ در مورد قصاص مرد رعایت حقوق همه افراد را کرده و از این خلاء اقتصادی و ضربه نابخشودنی که به یک خانواده می‌خورد، جلوگیری نموده است. اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که به بهانه لفظ تساوی حقوق افراد دیگری مانند فرزندان شخصی که مورد قصاص قرار گرفته پایمال گردد. البته ممکن است زنانی برای خانواده خود، نان‌آورتر از مردان باشند؛ ولی می‌دانیم احکام و قوانین بر محور افراد دور نمی‌زند بلکه کل مردان را با کل زنان باید سنجید.

لباس

قرآن کریم با تعبیر و تمثیل زیبا و عمیقی مفاهیم الهی را برای بشر عرضه می‌نماید و از آن جمله تشبیه

جاذبه‌ای ندارد برای ملل شرقی بویژه روشنفکران مترجم آن، تقلید جذابی شده متأسفانه در جهان اسلام نیز به همان صورت تقلیدی و کورکورانه در حاشیه افکار عمومی تعقیب می‌شود.

بستر و خاستگاه فمینیسم

زن در اروپا در حیطه قانونی قرار داشت که مردان را مجاز می‌کرد زن خود را بدلبخواه کتک بزنند و این ضرب و جرح، اقدامی روشنفکرانه در جهت حمایت از زن در قانون هم محسوب می‌شد. اروپا پس از انقلاب فرانسه نیز در بستر آزادی فردی، برای زنان جایگاهی در نظر گرفت که مردان آزادی‌خواه را مجاز می‌کرد تا با خشونت رومیان باستان با زنان رفتار کنند. ارتجاع حاصل در اندیشه نو، زنان را متوجه کرد که غوغای آزادی، حقوق بشر و برابری، تنها «مردان» را مشمول خود قرار داده است.

چنین دیدگاهی نسبت به زن، تنها به شاخه لیبرالی اومانیسیم انحصار ندارد، بلکه سوسیالیسم، شاخه دیگر تفکر انسان‌مدارانه غربی نیز زنان را با دید بهتری نمی‌نگریست. تبعیض و تزییع حقوق انسانی زنان نیز به‌گونه‌ای ادامه یافت. در این نگرش هرچند، رفع تبعیض از زنان را خواستار می‌شدند و او را با مردان هم‌تراز قلمداد می‌کردند ولی از هر تلاشی که رعایت حقوق زن را به مرد بیاموزد و در مسئولیت خانه و تربیت نسل آینده وی را یاری کند، دریغ کردند.

پیامدهای فمینیسم

ماری ولستون کرافت به عنوان اولین زن آزادیخواه برابرطلب اروپا مطرح است. افکار او در تساوی‌طلبی و بهره‌مندی از حقوق برابر با مردان وی را به زندگانی مشترک به صورت نامشروع و غیرقانونی سوق می‌دهد. با گسسته شدن رشته این زندگی، ثمره آن کودکی نامشروع بود؛ بنابراین وی تصمیم به خودکشی می‌گیرد که توسط اطرافیان نجات می‌یابد. خواست‌های سیاسی اجتماعی او نیز به سوی غریزه و تمتعات نامشروع سوق می‌یابد و از اعاده حقوق راستین و تزییع شده «زن»، منحرف شده، اصل و فرع را جابجا می‌نماید. در زندگی مجدد او مردی

و به نظر می‌رسد فمینیست‌ها درباره نحوه اختلاف میان زن و مرد از حیث جنس و جنسیت اشتراک نظر ندارند.

فمینیسم چیست؟

مکتب زن سالاری افراطی (فمینیسم) در غرب و به علل و دلائل غربی متولد شد و هنگام ظهور در اروپا و بویژه انگلستان با توجه به تاریخ و فرهنگ غربی، ظاهر موجهی داشت. حقیقت این است که غرب با زنان، مشکلی دیرینه داشته است. در یونان باستان که تمدن آن هنوز زبازد است و مبنای تمدن کنونی مغرب زمین دانسته می‌شود، «شهروندی» و مزایای آن شامل «رعایا» و «زنان» نمی‌شد. افلاطون، فیلسوف نامدار یونان با آنکه از برابری مردان و زنان حمایت می‌کرد و ورود زنان را در موقعیت‌ها می‌پذیرفت، خداوند را سپاس گفت که مرد، آفریده شده است. همچنین در عقیده یهود، پسران در نمازهای خود چنین می‌سرودند: «خداوندا تو را شکر می‌گوییم که ما را کافر و زن نیافریدی.» ارسطو اندیشمند بزرگ و ماندگار نیز متأثر از تعصبات معمول زمان خویش، گفته بود: «زن و بنده براساس طبیعت خود، محکوم به اسارت بوده، سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند». در آتن باستان، مهد دمکراسی، تنها ۶۰٪ از شهروندان، حق رأی در انتخابات حکومتی داشتند؛ زیرا زنان را شهروند نمی‌دانستند. این دیدگاه تا همین قرن اخیر هم در اروپا حضور داشت و زنان از حق رأی محروم بوده‌اند.

پیشینه جنبش «حقوق زن» در غرب

مظلومیت تاریخی زن در اروپا باعث تلاش متقابل در یکی دو سده اخیر در غرب شد. کتاب «استیناف حقوق زن» اثر «ماری رولستون کرافت» (۱۷۹۲) آغازی در تکاپوهای زنانه است که متأسفانه نتایج آن از آغاز تاکنون به بیراهه رفته است. می‌توان رگه‌هایی از تلاش در این زمینه را در سالهای پیش از تاریخ فوق نیز مشاهده کرد. از این پس افکار زن‌گرایانه، «فمینیسم» خوانده شد و معنایی سازمانی - حزبی به خود گرفت و بتدریج ابعاد آن توسعه یافته و هم اکنون هرچند در میان زنان غرب،

قابل تقسیم است. یکی پژوهش‌های اثبات‌گرا (کمی) و دیگر پژوهش‌های مابعد اثبات‌گرا (کیفی) است.

در پژوهش اثبات‌گرا یا کمی پژوهش ریشه در این فرض دارد که پدیده‌های محیطی اجتماعی، واقعیت‌های مستقل را تشکیل داده و در طی زمان و موقعیت‌ها نسبتاً ثابت‌اند. پژوهشگر اثبات‌گرا (کمی) دانش را از طریق گردآوری داده‌های عددی و رفتارهای قابل مشاهده نمونه‌ها و سپس عرضه این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم می‌آورد؛ اما پژوهش مابعد اثبات‌گرا (کیفی) ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی به عنوان تفسیرهایی به وسیله افراد ساخته می‌شود و آن تفسیرها شکل‌گذار و وابسته به موقعیت دارند. پژوهشگر مابعد اثبات‌گرا (کیفی) دانش را در درجه اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی با مطالعه جدی و عمقی موارد و عرضه این داده‌ها به اسقراء تحلیلی فراهم می‌آورند.

لذا این دو روش در تحقیق از نظر ماهیت گردآوری داده‌ها با هم متفاوتند؛ چون تحقیقات کمی و کیفی مکمل یکدیگرند، استفاده از هر دو روش به صورت توأمان موجب بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر مسائل پژوهش می‌شود، ولی تاکنون در کشور ما چنین روش ترکیبی که به روش «در هم تنیده» نیز نامیده می‌شود، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. این تحقیق از نوع کیفی است.

روش نمونه‌گیری :

روش نمونه‌گیری در این تحقیق روش قضاوتی بوده و براساس دیدگاه‌های محقق و اولویت بندی مطالب و سطح بندی آنها از نظر اهمیت و ارتباط با موضوع انتخاب گردیده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پژوهش :

در این پژوهش از روش ثبت فرم اسناد و مدارک برای جمع‌آوری و طبقه بندی اطلاعات استفاده شده و سپس نسبت تحلیل و جمع بندی داده‌های آن بر اساس نیاز تحقیق و ضرورت‌ها و محدودیت‌های محقق انجام گرفته است.

(ویلیام گادوین) حضور یافت که وی نیز چون ماری، به نام آزادی‌خواهی، هرگونه نظارت و کنترل قانون را در ازدواج رد می‌کرد. بدین جهت، تازه هنگام تولد کودک این خانواده، آنها علی‌رغم میل خود تن به ازدواج دادند!

مورد دیگر خانم سیمون دوبوار است که در ۱۹۸۰-۱۹۰۵ با ژان پل سارتر، فیلسوف و منتقد اجتماعی فرانسه تا آخرین روزهای عمر، زندگانی غیرقانونی و بدون ازدواج مشترک داشتند. این دو نفر از مدافعان سرسخت آزادی فردی زن و مرد بودند. این دو زن (ماری کرافت و سیمون دوبوار) در مقاطع مختلف تاریخ غرب، فرهنگ جدید پس از رنسانس را عملاً نشان داده‌اند. هرچند در نگرش‌های آنان، به ویژه کرافت با توجه به شرایط و موقعیت نابهنجار زن در تفکر لیبرالی، نکات به حقی دیده می‌شود، ظهور این اندیشه در کردارها تنها پیروی از نفس اماره را به عنوان غایت، پدیدار کرده است.

روش تحقیق

فرآیند پژوهش در علوم رفتاری همانند فرآیند پژوهش در سایر علوم ایجاب می‌کند که برای تبیین علل بروز رویدادها و یا رفتار خاص، پژوهشگر روش پژوهشی منطقی را در پیش گیرد. روش عبارت است از مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که برای دستیابی به هدف خاص صورت می‌گیرد، لذا روش پژوهشی را نیز می‌توان مجموعه اقداماتی دانست که پژوهشگر با استفاده از آنها درصدد کشف، پاسخ سؤالات تحقیق یا بررسی و تایید فرضیه‌های خود می‌باشد. (دلاور، ۱۳۸۱)

هدف از انتخاب روش پژوهش آن است که محقق مشخص نماید، چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ برای پرسش‌های تحقیق مورد نظر کمک کند. (سیف نراقی، نادری، ۱۳۷۶)

تحقیق و پژوهش براساس مفروضاتی که محقق برای رسیدن به دانش فرض می‌نماید به دو نوع کلی

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

بر خلاف روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در تحقیقات کمی که تا حدودی سر راست و روشن است (تعدادی داده عددی وارد رایانه شده و به کمک نرم افزارهای آماری متعدد از جمله SPSS و... تحلیل و بررسی می‌شود) ولی در پژوهش‌های کیفی این فرآیند بسیار دشوار بوده و محقق با انبوهی از یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها، فیش‌ها و مدارک تهیه شده مواجه است.

برای کار با این گونه اطلاعات از سه روش ذیل استفاده

می‌گردد:

۱. تحلیل تفسیری

۲. تحلیل ساختاری (سازه)

۳. تحلیل تأملی (فکری)

بحث و بررسی فرضیات و سوالات تحقیق

برای این منظور بهتر است یک بار دیگر فرضیات

تحقیق را مرور نموده و یک به یک بررسی و تحلیل و تفسیر کنیم.

۱. آیا بین زن و مرد از نظر ویژگی‌ها و نقش‌های جسمانی، روانی و اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

بررسی‌ها و مطالعات انجام شده حاکی از این است که ضمن تأیید وجود تفاوت‌های بسیاری بین زن و مرد، این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که شباهت‌ها و اشتراکات انسانی آنها را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد و به طرز دقیق، عالمانه و زیرکانه باید هر دوی آنها را با هم و به طور همزمان در نظر گرفت.

از حکمت و عدالت خالق حکیم بدور است که انسان را در دو جنس بیافریند، ولی از نظر درجه و ارزش انسانی بین آنها تبعیض قائل شود و از طرفی تفاوتی بین ویژگی‌ها و کارکردهای این دو قرار نداده باشد که در این صورت آفرینش دو جنس کاری عبث و بی‌فایده می‌بود.

زن ظریف‌تر، زیباتر، دل‌ربا تر و طبیعتاً به همین نسبت از نظر جسمی تا حدودی ضعیف‌تر و از نظر عاطفی حساس‌تر است. زن برای مادر شدن و استمرار زنجیره حیات انسانی طراحی شده، جسم او متناسب با این نقش مهم استعداد و آمادگی بارور شدن و حمل و تولد نوزاد را دارد و درکل سهم مهم‌تر، طولانی‌تر و پیچیده‌تری را در فرآیند تولید مثل، نسبت به مرد برعهده دارد. اگرچه

مردان نیز می‌توانند در پرورش و تربیت نسل سهیم و فعال باشند، فرد اصلح و دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های لازم جهت این امر خطیر زن است.

زن برای تأمین نیازهای جسمی، روحی و عاطفی افراد خانواده بخصوص نوزاد، قدرت کلامی بالاتر، احساسات قوی‌تر و... را داراست و این‌ها از ملزوماتی است که کمک می‌کند تا یک زن بتواند نقش تعیین شده خود را به خوبی به انجام برساند، همچنین آرامش بخشی، نشر عواطف و جذابیت بخشیدن به زندگی نسبتاً سرد و خشک (خشن) مردانه را برعهده دارد.

زنان عموماً نسبت به مردها جزئی‌نگرتر و درون‌گراترند و در کارهای هنری و ظریف ماهرتر از مردانند، حس زیبایی‌شناسی و زیبایی دوست آنان افزون‌تر است و نسبت به مردان علاقه‌مندتر به جلوه‌گری، خودنمایی و تجمل هستند و از سوی دیگر آسیب‌پذیرتر در مقابل خشونت، ترس، هیجان، فشار، مشکلات‌های جسمی و روحی و... می‌باشند. زنان علاقه بیشتر به حضور و کار در داخل خانه دارند و علاقه کمتری به فعالیت خارج از خانه، کارهای اقتصادی و... دارند، مشروط به اینکه نیازهای زندگی آنها توسط مرد تأمین گردد. (این‌ها حالات و تمایلات فطری و طبیعی زنان است؛ ولی ممکن است بر اثر جریانات و سیر تحولات تاریخی و اجتماعی مانند فمینیسم و... برخی از آنها امروزه دستخوش باورها و خواسته‌های نامعقولی شده باشد که نیاز به آسیب‌شناسی و علت‌جویی دارد.)

مردان از نظر ظرافت، زیبایی و دلربایی ویژگی‌های کمتری نسبت به زنان داشته، در مقابل به همین نسبت از نظر جسمی تا حدودی قوی‌تر بوده، از نظر عاطفی حساسیت کمتری دارند. مرد برای پدر بودن و ایجاد و پشتیبانی و استمرار بخشیدن به وجود یک خانواده توانمند گردیده است؛ اما توان باروری و حمل و تولد نوزاد را نداشته، درکل سهم کمتر، کوتاه‌تر و ساده‌تری در فرآیند تولید مثل، نسبت به زن برعهده دارد.

اگر چه زنان نیز می‌توانند در اقتصاد و صنعت و... سهیم و فعال باشند؛ اما فرد اصلح و دارای توانائی‌ها و قابلیت‌های برتر و بیشتر جهت انجام این امور، مرد است. مردان بر خلاف زنان که تمایل به جلوه‌گری و مورد

و زندگی را شیرین و خوشایند می‌نمایند، تماماً به پشتوانه و به علت تفاوت‌های موجود بین زن و مرد است و خلقت زن و مرد از نشانه‌های زیبای خلقت خداوند و دلیل بر رحمت بی‌انتهای پروردگار نسبت به انسان‌ها، این خلقت بهینه است.

۲. بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی چه پیامد‌هایی به همراه دارد؟

بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی نوعی مخالفت با قوانین طبیعت و خلقت پروردگار است و اختلاف جنسیت نه تصادفی و اتفاقی در خلقت انسان‌ها قرار گرفته و نه در نظر نگرفتن و بی‌تفاوتی نسبت به آن، قابل اغماض و چشم‌پوشی است. این تفاوت در جنسیت یکی از سنت‌های مهم آفرینش است. در سنت‌های الهی تغییر، تبدیل و تحویلی نیست. یقیناً بی‌توجهی به این سنت مهم الهی هم پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد و هم باعث از دست رفتن سود و فایده‌های فراوانی است که خداوند حکیم برای آن در نظر گرفته است.

اگر به تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد بی‌توجهی شده و آن‌ها از جنسیتی یکسان در نظر گرفته شوند، جاذبه‌های آن دو و احساس نیازشان به هم کاهش خواهد یافت و در نتیجه تشکیل خانواده به دلیل مسئولیت‌های نسبتاً سنگینی که به دنبال دارد، کمتر مورد استقبال جوانان قرار خواهد گرفت و جامعه مورد تهدیدات فراوان اجتماعی فرار می‌گیرد.

از طرفی نیاز جنسی زن و مرد به یکدیگر واقعیتی است که خداوند در وجود آن‌ها قرار داده است و گریزی از آن نیست و بدون وجود کانون پرمهر خانواده، جوانان برای ارضاء نیازهای طبیعی خود به روابط آزاد و بدون چارچوب جنسی، همجنس‌گرایی، خودارضایی و ... رو خواهند آورد که به تبع آن مفساد و آسیب‌های بزرگ جسمی، روحی و اخلاقی گریبان‌گیر آنان و جامعه خواهد شد، چرا که سنت مهم آفرینش خدا را زیر پا گذاشته و ناگزیر از پذیرش تبعات بوده و باید تاوان آن را بپردازند.

توجه و تملک فرار گرفتن دارند، علاقه به حاکمیت و به تملک گرفتن زن دارند و از به عهده گرفتن مسولیت مراقبت و تأمین نیازهای مادی و روحی او لذت می‌برد. مردان شجاع‌تر، جنگجو‌تر و جسورتر بوده، تحمل بیشتری در مقابل مشقات جسمی و تا حدودی فشارهای روحی و روانی دارند.

مرد بیش از زن علاقه‌مند به فعالیت‌های خارج از منزل بوده، وضعیت او مناسب‌تری برای کسب درآمد و کارهای اقتصادی دارد. در مجموع مردان نسبت به زنان به کلیات علاقه‌مندتر هستند و کمتر به جزئیات و ... توجه دارند.

آری حقیقتاً زن و مرد مکمل هم و نیازمند به هم آفریده شده‌اند و هر یک آرامش‌بخش دیگری بوده، زندگی این دو بدون هم سخت، دشوار، ناقص و ناکارآمد است.

همانگونه که در فصل دوم آمده در آیاتی قرآن کریم اشاره به روز و شب شده که در آن روز را مظهر تلاش و بستر کسب معاش معرفی نموده و شب را مانند لباس و پوشش و مظهر و بستر کسب آرامش و ثبات معرفی نموده است و از سوی دیگر آنجا که از مرد و زن سخن گفته آنان را نیز به لباس و پوشش همدیگر تشبیه نموده است و با توجه به احکام و قوانین فقهی موجود در قرآن شاید بتوان مرد را به روز و زن را به شب تشبیه کرد، چراکه هر دو برای بقا و حیات بشر لازم بوده، مکمل یک دیگریند.

در این میان مرد مانند روز بیشتر نقش پرتحرک اجتماعی و کسب معاش و تأمین مایحتاج زندگی را برعهده دارد و زن بیشتر مانند شب و خواب، نقش آرامش‌بخشی، ثبات، تمدد اعصاب و کسب راحتی و رفع خستگی‌ها و بازیافت انرژی‌های روحی و جسمی از دست رفته مرد را برعهده دارد و البته علاوه بر این‌ها هر یک کارکردهای فردی و مستقل یا وابسته به عامل جنسیت دیگری را نیز عهده دار می‌باشند. اینکه زن و مرد وسیله انس یکدیگر را فراهم نموده، با ابراز و جلب محبت به یکدیگر، فرزند آوری و فرزند پروری، کانون خانواده را گرم

فرزندان و حتی همسر، احتمال بروز مشکلات تربیتی و رفتاری در خانواده بالا می‌رود؛ زیرا بسیاری مشکلات تنها با حضور کافی مادران در خانواده و بلکه حتی در تعامل با خویشان و همسایه‌ها و دوستان برطرف می‌شود و بسیاری مسائل هم نیاز به تفکر، تجزیه تحلیل، همفکری، مشورت، گفتگو، سعی و خطا و خلاصه وقت و انرژی و حوصله فراوان دارد که با کمبود حضور زن در خانه و خانواده، معمولاً سازگار نیست.

مردان به دلیل مردانه شدن زنان از بسیاری تعهدات قبلی خود مثل پرداخت کامل نفقه زن و فرزندان، وفاداری جنسی به زن و حمایت شوهرانه از او و... شانه خالی کرده و طفره می‌روند، ضمن اینکه از کمبود برخی مزایای نقش‌های زنانه زنان اطراف خود (اعم از مادر، همسر، خواهر، دختر و...) به علت مشغله‌های مردانه و کمبود وقت و انرژی زنان، همچنین از ارتباطات اجتماعی زیاد آنان بخصوص با مردان، رنج می‌برند.

مردانی که می‌توانستند با حمایت‌های روحی و جسمی همسران خود در بالاترین سطوح کارکردی در ابعاد و نقش‌های مختلف آن عمل نمایند، دیگر انرژی و توان لازم را برای این کار ندارند و این نگاه نادرست باعث می‌شود مردان احساس کنند که بی جهت برای دیگران زحمت می‌کشند و مورد سوء استفاده و استثمار قرار گرفته‌اند.

در نتیجه، عدم شناخت و رعایت این تفاوت‌ها موجب می‌شود مردان ارزش نعمت وجود زنان را به طرز شایسته باور نداشته، برای نقش زنان اهمیت و ارزش کافی قائل نخواهند شد و به تبع آن محبت کافی نسبت به آنان ابراز نخواهند نمود و در مقابل زنان نیز ارزش نعمت وجود مردان را به طرز شایسته باور نداشته، از تعامل منطقی و خردمندانه با جنس مخالف بهره نمی‌برند و احترام کافی برای آنان قائل نخواهند شد.

چنین وضعیتی موجب می‌شود لطف و شیرینی زندگی و آنچه در قرآن به مودت و رحمت بین زن و مرد

نیازهای جنسی از جمله تمایلات و خواسته‌هایی است که مانند حُب مقام و ثروت و حتی خیلی بیشتر از آن و قوی‌تر از همه آنهاست و دست کم از نظر روحی سیری ناپذیر است و در صورت تحریک شدن و عدم کنترل عطش آن روز به روز بیشتر می‌شود و چون آب شوری است که هر چه بیشتر بخورند، تشنه‌تر می‌شوند.

وقتی زن و مرد یگدیگر را منحصر به خود ندانسته و پایبند به هم نمی‌بینند از نظر عاطفی و دوست داشتن و دوست داشته شدن، دچار خلأ و نقصان خواهند شد و عقده‌های احساسی فراوانی گریبان‌گیر آنان خواهد گشت. در این صورت زنان که خود را موظف به کار و تحصیل پا به پای مردان دانسته، ملزم به رقابت با آنان در همه زمینه‌ها خواهند شد و مردان هم زنان را رقیب خود فرض خواهند کرد و این نگاه نادرست باعث می‌شود زنان احساس کنند که بی جهت برای دیگران زحمت می‌کشند و مورد سوء استفاده و استثمار قرار گرفته‌اند.

تصور شرایط مساوی بین زنان، سبب آن می‌شود حمایت‌های مالی، عاطفی و ... مردان نسبت به زنان کم رنگ شود و زنان که مسئولیت‌هایی شبیه مردان به عهده گرفته‌اند چندان امکان، تحمل و حوصله پذیرش مسئولیت‌های مربوط به خود مانند خانه‌داری، همسرداری، بارداری، شیردهی و تربیت دقیق و نیکوی فرزندان را نخواهند داشت و تولید و پرورش نسل نیکو با مشکلات حاد و بسیار مهمی رو به رو خواهد شد و در این شرایط عموماً تربیت فرزندان به مهدکودک‌ها سپرده شد، در نتیجه خانواده‌ها کم جمعیت شده و از نظر عاطفی احساس خلأ و کمبود خواهند کرد و برخی مهارت‌ها را که کودکان تنها در تعامل ارتباطی با خواهر و برادر کسب می‌کنند، در خانواده‌های تک فرزندی یا کم فرزندی کمتر بوده و احتمال لوس و ضعیف و خودخواه بار آمدن فرزندان بیشتر است و برای پدر و مادر و خودشان و جامعه مشکلاتی را به وجود خواهند آورد.

همچنین به دلیل کم شدن حضور مادر در خانه و نزد

موفقیت و سعادت در آن نهفته است نمی آموزند و نمی-توانند نقشی که خلقت در جامعه انسانی برای آنها در نظر گرفته است بخوبی ایفا کنند و از طرفی به درجات کمالی که پروردگار برای آنها رقم زده است دست یابند. همچنین در مورد پسران هم دقیقاً همین مطلب صادق است.

همزمان شدن تحصیل جوانان در دبیرستان ها و دانشگاه ها با اوج نیاز های جنسی آنان و عدم انعطاف سیستم آموزشی و خانوادگی در این شرایط حساس، مشکلات زیادی را برای همه به وجود می آورد. دختران و پسران باید حتماً ابتداً دیپلم بگیرند و بعد هم دانشگاه و بعد هم اشتغال به کار و البته در مورد پسران دوره سربازی را هم باید اضافه کرد تا بعد شاید شرایط اجتماعی و خانوادگی به آنها اجازه فکرکردن به موضوع ازدواج و ایجاد یک رابطه منطقی و هنجار با جنس مخالف را بدهد.

البته واضح است شدت و اهمیت این نیاز به گونه ای است که منتظر اجازه دادن دیگران یا مهیا شدن شرایط نخواهد ماند و ظلم مضاعفی است که به جوان مجرد جامعه امروز ما اعم از دختر و پسر در شرایط بحران جنسی وارد می شود بسیار فراوان بوده و حضور در دانشگاه و کلاسهای مختلط، رواج شبکه های ماهواره ای و مهمانی های مختلط، شبکه های لجام گسیخته اینترنتی و همچنین فضایی عمومی حاکم بر جامعه، بیش از پیش به شرایط تحت فشار و نگران کننده روحی و روانی جوانان مجرد آسیب می رساند.

از یک طرف جوان خود را موظف به صبر و تحمل چند ساله در مقابل نیازهای طبیعی خود می بیند تا دوران تحصیل و سربازی به سرآید بلکه کاری و درآمدی هم پس از آن به دست آورد، از طرف دیگر شرایط و امکان ازدواج در روزگار ما به قدری سخت جلوه می کند که جوانان آن را آرزویی دور دست می پندارند و از طرف دیگر دختران و پسران جوان رنگارنگ در مقابل چشم های نیازمند و تشنه یکدیگر دائم رژه می روند و از آن

نام برده شده کمتر امکان ظهور و استقرار پیدا نماید.

۳. آیا فضاهای سازمانی، نوع اشتغال و آموزش های رسمی و غیر رسمی با فعالیت های مربوط به نقش جنسیتی متناسب است؟

همه کسانی که مدتی را در فضاهای سازمانی امروزی سپری کرده اند بخصوص زنان، آن هم زنان متأهل و دارای فرزند طعم تلخ ناهماهنگی های سازمانی را با ویژگیها و نقشهای زنانه خود چشیده اند، تا آنجا که تعدادی از آنان کار و اشتغال، تحصیل و سایر فعالیت های اجتماعی را رها کرده و اولویت را به نقش های زنانه خود داده اند؛ ولی اکثریت آنان به دلایل مختلف از جمله نیاز مالی، باورهای اجتماعی، عدم درک اولویت های خاص جنسیتی خود، امید به اصلاح، امید به از عهده مسائل برآمدن و آسیب جدی ندیدن و...، مشکلات موجود را تحمل کرده به آفات و آسیبهای آن تن داده اند.

البته ناهماهنگی و عدم توجه و طراحی صحیح فضاها و رفتارهای سازمانی با توجه به تفاوت زنان و مردان در نقش های جنسیتی تنها زنان را تهدید نمی کند، بلکه به همین نسبت برای مردان هم دشواری هایی پیش آورده است.

دخترانی که از کودکی تا سن جوانی تماماً آموزش هایی مشابه پسران می بینند و مطالب چندانی درباره اطلاع از فلسفه خلقت زن و مرد، نقش ها و تفاوت هایی که خداوند برای نقش های جنسیتی زن در نظر گرفته، دانش و مهارت های زنانه، آموزش علوم، هنرها و فنونی که برای یک زن موفق پسندیده است مثل روانشناسی، علوم تربیتی، علوم پزشکی و پرستاری، علوم تغذیه، مهارت های کلامی، مهارت های شوهرداری، آموزش ویژگی های زنان، آموزش ویژگی های مردان و... فرا نگرفته است، امروز باید در موقعیت های اجتماعی و شغلی نیز یک مرد باشد و زن بودن خود را مخفی ساخته و کنترل کند.

دختران ما چیزی بیش از پسران ما از دانش روانشناسی و رشد کودک، آموزش تعلیم و مفاهیم دینی که کاربرد در زندگی داشته باشد که شاه کلیدهای

مدتی کوتاه از یاد جوانان خواهد رفت و آنها تاگهان وارد صحنه اصلی زندگی می‌شوند که در سالهای دانش آموزی توشه‌ای از دانش و مهارت کافی برای مواجهه با آن نیندوخته‌اند.

البته یکی از دلایل این امر داشتن استادان، معلمان و آموزگاران است که آنها هم در نسل قبل با همین سیستم آموزشی تربیت شده‌اند و طبیعتاً تنها آنچه را در کلاسهای خود یادگرفته‌اند به دانش آموزان انتقال خواهند داد.

لذا ابتدا باید استادان، معلمان و آموزگاران در این زمینه از طریق آموزش‌های بزرگسالان آگاه شده، مهارت‌های لازم را کسب نمایند.

وضعیت آموزش‌های غیر رسمی تا حدی بهتر از آموزش‌های رسمی است. آموزش‌های مهارت‌های زندگی، ویژگی‌های زنان و مردان، مهارت‌های تغذیه و تربیت کودک و نوجوان، آموزش هنرهای زنانه و درمقابل فنون مردانه، بحث‌های روانشناسی و مشاوره‌ای و... از طریق تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجلات، کلاسهای گوناگون تا حدودی آغاز شده است، ولی هنوز تا وضع مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد.

باور داشتن به اهمیت تفاوت‌های جنسیتی را از طریق هنر و به‌ویژه سینما و صدا و سیما به طور مؤثری می‌توان تبلیغ و ترویج کرد. از طریق ساختن سریالها و فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی، رفتار، عملکرد و گفتار زنان و مردان دست اندرکار رسانه‌ها بیشترین تأثیر را بر مردم خواهد گذاشت.

به طور کلی در حال حاضر در مدارس، دانشگاهها و فضاهای سازمانی ما به گونه‌ای است که دختران و زنان ما بیشتر مردانه پرورش می‌یابند و با مردان رقابت می‌کنند. از طرف دیگر اگر نشانی از زنانگی آنها به چشم بخورد، معمولاً انحراف و سوءاستفاده‌ای است که از زیبایی‌ها و جذابیت‌های زنانه شده است؛ توانایی‌هایی که خدا در وجودشان قرار داده تا در کانون گرم خانواده خرج

بدتر این که بعضاً (و شاید متأسفانه تا حدودی عموماً) با ظواهری دلفریب و تحریک کننده در مقابل جنس مخالف خود ابراز وجود می‌کنند. آیا این سیستم دست ساز ما متناسب با واقعیت و طبیعت دختران و پسران جوان جامعه ما و با توجه به فرهنگ، امکانات، قوانین و عرف جامعه ما طراحی شده است؟ برآستی چه کسی و چه کسانی مسئولند؟ اندیشمندان و محققان ما چه قدر به این مهم توجه دارند؟ در دانشکده‌های علوم تربیتی و در گرایش‌های تخصصی مانند آموزش بزرگسالان و... چه قدر به این موضوع پرداخته می‌شود و چند پایان نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکترا در این حوزه تهیه شده است؟ چه کسانی مسئول رنجها و فشارها و به دنبال آن مشکلات فکری، جسمی، عاطفی و اخلاقی و روحی هستند که جوانان مظلوم و صبور این جامعه بی اختیار و انتخاب، مجبور به تحمل آن و گرفتاری‌های ناشی از آن هستند؟ کسی تا به حال محاسبه نموده است از این جهت چه هزینه‌های مادی و معنوی به نسل جوان ما و در نتیجه به جامعه در سالهای آتی تحمیل خواهد شد؟

در آموزش‌های رسمی از دبستان تا دانشگاه نه تنها مطالب قابل توجهی در مورد ویژگی‌ها و نیازهای مختلف دو جنس در دورانهای مختلف زندگی، ازدواج، آیین همسراری، آیین فرزند داری، وظایف هر یک از زن و مرد در قبال هم و تمرین کسب مهارت در ایفای نقش‌ها و وظایف هر یک به دانش آموزان آموخته نمی‌شود و اگر هم چیزی باشد بسیار کلیشه‌ای و غیر کاربردی است، بلکه متأسفانه و غیر مستقیم به ذهنیت‌های منفی و مشکل ساز دامن زده می‌شود و به صورت سنتی در محیط‌های هم جنس، از جنس مخالف بدگویی می‌شود.

ذهن دانش آموزان خود را با مثنوی تئوری‌های علوم پایه آن‌هم معمولاً بیشتر به علوم ریاضی و تجربی پر می‌نماییم و تنها به آنها بهاء داده می‌شود و همواره علوم انسانی از درجه محبوبیت کمتری برخوردار است، مخصوصاً که با شیوه‌های ارزشیابی موجود و اهمیت بیش از حد بر نمره کتبی پایان ترم این مطالب هم پس از

و غیر رسمی مورد توجه قرار داد.

آموزش‌های رسمی همچنین باید جهت گیری روشنی در مورد نقش‌های آتی دختران و پسران داشته، در این زمینه احساس مسئولیت و تکلیف نمایند. همچنین ذهنیت افراد را نسبت به نقش‌های جنسیتی اصلاح نموده تا انتظارات افراد از خود و از جنس مخالف مطابق با حقیقت و قوانین خلقت شکل گرفته، فعالیت‌های خود را بر این اساس تنظیم نمایند و والدین فرزندان خود را هم بر این اساس تربیت کنند تا خود و دیگران را از مشغله‌ها و دغدغه‌های بی مورد در خصوص تفاوت در نقش‌های جنسیتی نجات دهند و انرژی خود را صرف اموری کنند که برای آن آفریده شده‌اند.

در حدیث آمده است در روز قیامت افرادی بیش از سایرین حسرت می‌خورند و از آن جمله کسی است که عمرش را در کاری و راهی صرف کرده که برای آن آفریده نشده است. به نظر می‌رسد این موضوع نیز می‌تواند ناظر بر تفاوت در نقش‌های جنسیتی افراد باشد و حسرت فراوانی در انتظار کسانی خواهد بود که عمر خود را به جای درک و بهره بردن از نعمت و فرصت تفاوت در نقش‌های جنسیتی زن و مرد، به مقابله و مبارزه با آن سپری کرده‌اند.

وضعیت فضاهای سازمانی و شغلی زنان از دیگر مسائل این حوزه از بحث است و لازم است با به رسمیت شناختن تفاوت در نقش‌های جنسیتی زنان و مردان و متناسب با شرایط و محدودیت‌های زنان و حتی نه به صورت داوطلبانه بلکه بصورت اجباری تغییراتی پیش بینی و اجرا شود.

از مهمترین این فضاها و محیط‌ها مراکز آموزشی و ادارات و سازمان‌های دولتی بوده و از همه نگران کننده-تر شرکت‌ها و مراکز شغلی خصوص است که به دلیل محدودیت نظارت و اختیارات بیشتر مدیران، انواع تحقیرها، سوء استفاده‌ها و آسیب‌های آشکار و پنهان را به همراه دارد. همچنین از دیگر فضاهایی که لازم است با

کنند، ولی به این ترتیب و با این کاربرد نادرست، تأثیری جز آسیب رساندن به خود و خانواده و جامعه در پی نخواهد داشت.

ساعات اشتغال زنان در خارج از منزل معمولاً تفاوت مهمی با مردان ندارد، بخصوص در مشاغل قراردادی و غیر رسمی. مادران از فرزندان کوچک و شیرخوار خود جدا می‌شوند و خصوصاً در سال‌های اولیه زندگی کودک که باید در نهایت امنیت و آرامش و محبت سپری شود با محرومیت از حضور اطمینان بخش مادر، همراه باشد و متاسفانه با حضور افراد بعضاً غریبه و نامانوس مانند مربی و پرستار و ... همراه است و با طرز فکرها و تربیت‌های مختلف که در مقابل دریافت هزینه حاضر به نگهداری از کودک شده‌اند، تلاش می‌شود جای خالی مادر را پر کنند!

۴. چه نوع تغییرات اصلاحی جهت بهبود فعالیت

های مربوط به نقش‌های جنسیتی باید صورت گیرد؟

در آموزش‌های رسمی می‌باید برای هر یک از دو جنس، برخی دروس مربوط به فلسفه خلقت زن و مرد، ایجاد نگاه مثبت درباره جنس مخالف و رفع خصومت‌ها، انتقام جویی‌ها، برتری‌جویی‌ها و آموزش امکان استفاده بهینه از نعمت وجود جنس مخالف و همچنین نحوه رفتار مناسب و معقول با جنس مخالف و به رسمیت شناختن توانمندی‌ها و امتیازات و نیز ناتوانایی‌ها و محدودیت‌های هر جنس، آگاهی از حقوق و وظایف خود نسبت به جنس مخالف و در مقابل آگاهی از وظایف و حقوق جنس مخالف نسبت به خود و کسب مهارت لازم در چگونگی بیان حقوق و دفاع از آنها و نیز انجام وظایف به نحو احسن، آموزش روش همسرداری مثلاً از طریق تدریس کتب مربوطه در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، نحوه و میزان ارتباط سالم با جنس مخالف، معرفی خطرات احتمالی ناشی از ارتباط نادرست با جنس مخالف، آگاهی از انتظارات و نگرانی‌های جنس مخالف از خود و ... ده‌ها عنوان و موضوع دیگری که می‌توان در آموزش‌های رسمی

نظر شده است)، دیدگاه‌های یکی از اندیشمندان اسلامی معاصر (واضح است که بیان وسیع‌تر دیدگاه‌ها در مجال تحقیق نمی‌باشد و به طور مثال تنها دیدگاه‌های امام خمینی {ره} در چندین جلد کتاب جمع آوری شده است) و دیدگاه فمینیسم به عنوان یکی از دیدگاه‌ها با منشأ غیر بومی، تا حدودی تفاوت و تقابلی این نگرش‌ها با یک دیگر را نشان داده، حتی در زمینه‌هایی که دو دیدگاه با هم در مفهومی هم نظر و هم جهت هستند، به طور آشکارا در مصادیق متفاوت و غیر قابل جمع می‌شوند.

امروز زن مسلمان ایرانی نیاز دارد همه خوبی‌ها، آزادی‌ها، اختیارات و قوانین مفیدی را که برای لحاظ نمودن مسأله جنسیت و حمایت از زنان در جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده است در جامعه ایران در اختیار داشته و از آن استفاده نماید و هم زمان با حفظ ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی خود هویت اسلامی و ایرانی خود را پاس داشته، به عنوان یک زن ایرانی مسلمان، سعادتمندانه زندگی نماید؛ دختری که در خانواده اولیه خود به عنوان فرزند آنات از شأن و منزلت شایسته در مقایسه با فرزندان ذکور خانواده برخوردار بوده، از تبعیض و تحقیر و تفاوت‌های نادرست رنج نبرد و هم با به رسمیت شناختن تفاوت‌های درست و منطقی از جایگاه و کارکرد فطری وجودیش دور نشود.

دختر یا زنی که قبل از ازدواج یا بعد از آن، امکان حضور محترمانه و مؤثر در محیط جامعه را در عرصه‌های تحصیل و تدریس و تعلیم، شغل، تجارت و صنعت، تفریح و ورزش و تفریح و همچنین هنر و ... دارا بوده، موضوع جنسیت برای او به عنوان یک مشکل، محدودیت و دردسر مطرح نباشد.

زنی که بعد از ازدواج، هم به عنوان یک انسان با جنسیت مؤنث حقوقش محترم شمرده شده، از جهات مختلف مانند انسانیت و شخصیت، حقوق مادی و معنوی و نقش آفرینی‌های تربیتی و عاطفی برای همسر و فرزندان، احساس رضایت و سعادت نماید و هم به عنوان

توجه به تفاوت در نقش‌های جنسیتی سازماندهی شوند، مهد کودک‌ها هستند که در اولین سالهای زندگی کودک تأثیر فراوانی بر ذهنیت او در خصوص تفاوت در نقش‌های جنسیتی ندارد و باید تحت نظارت آموزش و پرورش و نظام روانشناسی و مشاوره قرار گرفته تا به نقش آموزشی و تربیتی خود به خوبی عمل کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که باورهای موجود در خصوص تفاوت‌های جنسیتی دارای محدودیت‌ها و مشکلات فراوانی است.

زنان امروز از کارکرد‌ها و نقش‌های جنسیتی خود ابراز رضایت و شادمانی نمی‌نمایند و همواره از مشکلات متعددی رنج می‌برند.

اگرچه این مشکلات برای مردان و زنان کم و بیش وجود دارد، به دلایل متعدد تاریخی، فرهنگی، ملیتی و مذهبی این فشارها و محدودیت‌ها برای زنان بیش از مردان و آزاردهنده‌تر است.

شناخت غیر دقیق و ناکافی موجود از ماهیت و علت و کارکرد تفاوت‌های موجود بین مردان و زنان سبب گردیده حرکت‌ها، تصمیم‌ها و قوانینی که حتی برای حمایت و کمک به زنان و رعایت مقوله جنسیت و حفظ حقوق و حرمت آنان پیش‌بینی شده نیز در درازمدت نه تنها به این اهداف نرسیده بلکه در نهایت به ضرر زنان و ظلم و سوء استفاده از آنان یا درگیر نمودن آنها با نقش‌ها و کارکردهایی است که هم برایشان دشوار و سخت است و هم به نیازها و احساسات فطری و وجودی آنان آسیب می‌رساند و از مسیر راحتی در ساحت جسم، رضایت در ساحت عقل و آرامش در ساحت روح و روان دور و منحرف می‌نماید.

نگاهی اجمالی به آنچه در فصل دوم تحقیق آمده، یعنی آنچه تنها به عنوان شاهدهی از آیات قرآن کریم آورده شده است (آیات بسیاری از قرآن در ارتباط با موضوع بحث قابل استفاده و استناد است که به علت محدودیت‌های تحقیق و لزوم اختصار از بیان آن صرف

- یک مادر، امکان و فرصت باور نمودن استعدادها و توانایی‌های فطری و وجودی خود در سیراب نمودن نهال نیازمند به مهر، محبت و تربیت فرزندان را داشته باشد و مشغله‌های تحمیلی و اجباری زندگی مدرن، فرزندش را از آغوش پر مهر مادر محروم ننماید.
۵. (آیه ۱۸۹ سوره اعراف)
۶. (سوره آل عمران آیه ۱۹۵)
۷. واضح است که زنان تنها دختران، همسران و مادران جامعه ما نیستند، بلکه نگاهی به زندگی خودمان و اطرافیانمان به‌خوبی گواهی می‌دهد که برخی نقش‌های دیگر مانند مادر بزرگ، خواهر، خاله و عمه و... و همچنین در سایر ارتباط غیر خویشاوندی و شهروندی چه نقش مهمی داشته، در زمینه‌های مختلف از جمله کارکردهای منحصر به فرد روحی و عاطفی عمیقاً تأثیر گذار است و قابل مقایسه با جنس مذکور نیست.
۸. (سوره غافر آیه ۴۰)
۹. (سوره نحل آیه ۹۷)
۱۰. (حجرات ۱۳)
۱۱. آری ایده‌آل و آرمان، درک صحیح و به رسمیت شناختن تمامی تفاوت‌های حقیقی و وجودی است که خداوند سبحان با احاطه علمی و قدرت بی پایان عملی خود در خلقت نوع بشر به کار گرفته و زن را زن و مرد را مرد آفریده تا انسان خردمند با کمک عقل و وحی این حدود و حقوق و حرمت‌ها را به‌خوبی بشناسد و از آن برای ساختن یک زندگی زیبا، شاد و سعادت‌مند بهره‌گیرد.
۱۲. (حجرات آیه ۱۱)
۱۳. (سوره آل عمران آیه ۶۱)
۱۴. (سوره آل عمران آیه ۳۶)
۱۵. ... (احزاب آیه ۵۹)
۱۶. (سوره نساء آیه ۱)
- () (سوره نحل آیه ۷۲)
- () (آیه ۹۸ سوره انعام)
- () (سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱)
- ۲۱ (روم)

۸. لطف آبادی، روش تحقیق کیفی (فصل نامه علمی پژوهشی ویژه نامه نوآوری در روش شناسی پژوهش).
۹. معرفت، محمد هادی، «شایستگی زنان برای قضاوت و مناصب رسمی»، حکومت اسلامی، پیشین.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر: «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، چ سی و هفتم، ۱۳۸۲.
۱۱. مهریزی، مهدی: «شخصیت و حقوق زن در اسلام»، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۲. نعیم، عبدالله احمد: «نواندیشی دینی و حقوق بشر»، حسنعلی نوریها، انتشارات فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۳. ویلفورد، ریک: «فمینیسم»، بولتن مرجع فمینیسم، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۸.
۱۴. هام، مگی: «فرهنگ نظریه های فمینیستی»، فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی، فرخ قره داغی، نشر توسعه، ۱۳۸۲.
15. B.Bates, Communication and the Sexes, Harper and Row: New York, 1988.
16. Butler, J. p, Gender Trouble. Feminism anther Subversion of identity, Routledge: New York, 1990.
17. Kathy Davis, Monique Heijehaar and Jantine Qldersma the Gender of Power, Sage Publications: London, 1991.

- ()
(سوره بقره، آیه ۱۷۹)
۱۶.
... (سوره بقره، آیه ۱۸۷)

منابع :

۱. الله جلّ جلاله : «قرآن مجید»، مترجم مهدی الهی قمشه ای، ۱۳۷۹ انتشارات الهادی قم.
۲. بستان، حسین: «نابرابری و ستم جنسی»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ اول، ۱۳۸۲.
۳. جگر، آیسون: «چهار تلقی از فمینیسم»، س. امیری، بولتن مرجع فمینیسم، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۸.
۴. جوادی آملی، عبدالله: «زن در آئینه جلال و جمال»، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ دوم، ۱۳۷۱.
۵. درباره تساوی حقوق زنان با مردان در اندیشه امام(ره) صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۶.
۶. فضل ... سید محمد حسین، همراه بین واقعها و حقها فی الاجتماع السیاسی الاسلامی، بیروت، دارالثقلین، ۱۹۹۵.
۷. گرت، استفانی: «جامعه شناسی جنسیت»، کتایون بقایی، نشر دیگر، چ اول، ۱۳۸۰.